



دبیر کل سابق بورس فلزات در گفتگو با ماهنامه بورس کالا:

بورس را بادست خالی راه اندازی کردیم

نگین بهکام

راه اندازی بورس فلزات یک حرکت بدیع در تاریخ بازار سرمایه ایران بود. جدای از اینکه ایران هیچ تجربه‌ای در داشتن چنین نهادی نداشت، راه اندازی بورس منافع بسیاری را به خطر می‌انداخت و آنها به این اقدام راضی نبودند و بر راه سنگ‌اندازی می‌کردند.
مهندس احمد صادقی پس از دکتر کاشان به عنوان مسئول اجرایی برای راه اندازی بورس فلزات انتخاب و بعدها از سوی هیات مدیره به عنوان دبیر کل معرفی شد. با توجه به سالگرد راه اندازی بورس فلزات پای صحبت‌های صادقی که این روزها تجربیاتش را در بخش خصوصی به کار گرفته، نشستیم و از فراز و نشیب‌های راه اندازی بورس شنیدیم که ماحصل این گفت و گو در ادامه می‌آید.

چند با تمام این مشکلات با عنایت پروردگار و همکاری مسئولان و همکاران، بورس فلزات راه اندازی شد.

■ در طول این مسیر با چه مشکلاتی روبرو شدید و چه مراحل را طی کردید؟
در طول سال‌های ۷۳ تا ۷۹ بیش تر درگیر گذراندن مسیر قانونی بودیم در این دوره با مشکلات زیادی برخوردیم که با کمک و همت همه مسئولان این مشکلات مرتفع شد. تا اینکه مجلس راه اندازی بورس کالا را مصوب کرد و در سال ۷۸ استفساریه از مجلس خواستیم و سال ۷۹ جواب آن گرفته شد و قرار شد از ضوابط بورس اوراق بهادار با تغییر نام و اسامی استفاده شود. البته این مصوبه تا حدود زیادی مشکلات ما را حل کرد اما این مصوبه و قانون خام بود و در طول مسیر با مشکلات ریز و درشت زیادی روبرو شدیم که به لطف خدا و کمک دوستان حل شد. البته در این بین زنده یاد دکتر نوربخش کمک بسیاری کرد تا این مشکلات حل و موانع پشت سر گذاشته شود.

در همین سال‌ها بود که دفتر مطالعات راه اندازی بورس کالا ایجاد و در آن مطالعات اولیه و امکان‌سنجی آغاز شد. از طرف وزارت معادن و فلزات بودجه‌ای تخصیص داده و قرارداد‌های مطالعات و امکان‌سنجی بسته

می‌شد که به نسبت خوب و منطقی بود اما بحث قیمت گذاری سال ۷۴-۷۳ مطرح شد که همین مساله زمینه راه اندازی بورس را ایجاد کرد.

■ در مسیر راه اندازی و تشکیل بورس مخالفانی هم داشتید که بخواهند مانع راه اندازی بورس فلزات باشند؟
قطعاً مخالفانی داشتیم اما بخشی از این مخالفت‌ها به دلیل عدم آشنایی با این نهاد نوین بازار سرمایه در ایران بود. چون شناختی از بورس فلزات نداشتند و این نهاد برای آنها ابهام داشت، در برابر آن مقاومت می‌کردند. مثل فعالان بازار سنتی آهن آلات از روی ناآشنایی از کار کرد و نقش آن در آینده بازار در برابر آن مقاومت می‌کردند.

اما گروهی هم بودند که از نرخ گذاری فولاد و فاصله آن با بازار آزاد سود هنگفتی می‌بردند که البته تعداد آنها بسیار محدود بود، اما این گروه با راه اندازی بورس مخالفت می‌کردند.

گروه سوم هم توجیه می‌کردند چرا کاری می‌کنید که هیچ کجای دنیا آن را انجام نمی‌دهند، حتی LME هم فولاد و ورق معامله نمی‌کند و این کار توجیه اقتصادی ندارد. آنها هم در گروه مخالفان بودند اما مشکل جدی ایجاد نمی‌کردند. بیشترین ترکش‌ها از سوی گروه دوم می‌آمد، چون منافعیشان به خطر افتاده بود. هر

■ آقای مهندس صادقی چه دلیلی سبب شد که به فکر راه اندازی بورس کالا در کشور شکل بگیرد؟

این اتفاق به اوایل دهه ۷۰ برمی‌گردد، چون داستان قدیمی قیمت گذاری برای کارخانجات و تولیدکنندگان فلز دولتی مشکل ایجاد کرده بود و بین قیمت بازار و قیمت اعلام شده وزارت بازرگانی اختلاف زیاد بود و هیچ کنترلی روی آن نبود و یک بورس نامرئی و غیررسمی برای آهن آلات وجود داشت که به اصطلاح قیمت حاشیه بازار را تعیین می‌کرد.

در سال ۷۳ یک طرح اولیه برای راه اندازی بازاری متشکل برای آهن آلات ارائه شد که فولاد در آن معامله شود اما به علت ناآشنایی مسئولان با آن موافقت نشد و این طرح تا سال ۷۶ مسکوت ماند که می‌شود در ایران هم بورس کالا راه اندازی کرد.

از این رو در سال ۷۶ در قانون برنامه سوم توسعه و سال ۷۸-۷۹ در قانون بودجه راه اندازی این بورس لحاظ شد، که شورای بورس مسئول و وزارت صنایع مکلف به انجام این کار شد.

البته قبل از آن و در سال ۷۰ بحث قیمت گذاری مطرح نبود و در یک شبه بورس و در یک کمیته با حضور نماینده ذوب آهن، شرکت ملی فولاد و وزارت بازرگانی قیمت‌ها تعیین

را پیگیری کرد و اعراب در تلاش برای راه اندازی چنین بازاری هستند، گویا به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند.

■ و به عنوان سوال آخر دست آورد بورس برای اقتصاد ایران چه بود؟

جدای از مواردی که گفتیم و اینکه بورس وجوهی را که نصیب دلال می‌شد در اختیار تولیدکننده قرار داد، سبب افزایش تولید فولاد در کشور شد و این روندی است که کماکان ادامه دارد و فکر می‌کنم حتی رسیدن به تولید ۲۵ میلیون تن فولاد که در برنامه چهارم پیش‌بینی شده بود، دور از دسترس نیست. اما باید سایر زیربخش‌ها نیز آماده شود مثل حمل و نقل و معادن، چون تولید ۲۵ میلیون تن فولاد، ۷۵ میلیون تن جابجایی کالا دارد. جاده‌های ایران توانایی چنین جابه‌جایی را ندارد. به هر حال باید زیرساخت‌ها را برای جذب بخش خصوصی و افزایش تولید فراهم کنیم.

دوره ابتدایی فعالیت که بیشتر درگیر راه اندازی بودیم، اما پس از مدتی شاهد بودید که تاثیر زیادی در بازار آهن گذاشت و توانست تعادل نسبی در بین قیمت‌ها ایجاد کند، بعد از اینکه من رفتم باز هم خوب بود و نمی‌توان گفت نقش نداشت و باید گفت در مجموع خوب بوده است.

باید توجه داشت در دنیا بورسی‌هایی که راه اندازی می‌شوند، دولت‌ها از آن‌ها تا مرحله راه اندازی حمایت می‌کنند، اما در مجموع فعالیت بورس یک عملیات اقتصادی و انتفاعی است و از افزایش قیمت محصولات سود می‌برند. در دنیا دولت‌ها فقط بحث نظارتی را بر عهده دارند، اما در ایران به دلیل شرایط خاص اقتصادی دولت مراقب افزایش قیمت‌ها هم بود.

■ چه برنامه‌هایی داشتید که موفق به انجام آن شدید؟

پذیرش شرکت‌های کارگزاری خارجی و تولیدکنندگان خارجی یکی از مهمترین آنها بود که به دلایل مشکلاتی چون نبود ضمانت‌های لازم امکان‌پذیر نشد. حتی به فکر ایجاد شعبه در دبی بودیم تا با توجه به قوانین آزاد آنجا گروهی از شرکت‌ها را از آنجا پذیرش کنیم و فعالیت کنند که در این صورت می‌توانستیم تا حدودی بحث واردات فلزات به خصوص فولاد را هم ساماندهی کنیم. چون یکی از مشکلات بازار فلزات ایران نبود اطلاعات دقیقی از بازار واردات این محصولات بود و بازار با کمبود مواجه بود با افزایش عرضه، که این مشکل هم تا حد بسیار زیادی مرتفع می‌شود.

■ پذیرش کردن شرکت‌های خارجی چه مزیتی داشت؟

یکی از مشکلات بورس فلزات محدودیت میزان عرضه و عرضه‌کنندگان بود. اما اگر خارجی‌ها می‌آمدند می‌توانستند فضا را رقابتی کرده و در کنار ذوب آهن و فولاد مبارکه و سایر تولیدکنندگان رقیب خارجی هم حضور داشت و در نهایت به نفع مصرف‌کننده نهایی می‌شود.

■ کسی هم از این طرح استقبال کرد؟

بله چون در این بین وزارت خارجه هم همکاری می‌کرد خیلی‌ها از این طرح استقبال کردند و درخواست‌هایی از شرکت‌های روسی، آسیای میانه و اروپای شرقی به بورس ارائه شد که با مشکلاتی که برخوردیم کار مسکوت ماند. ما می‌خواستیم کاری کنیم، دقیقا شبیه کاری که LME انجام می‌دهد، و شرکت ایرالکو ایران در آن پذیرش شده، البته شرکت ملی مس دنبال پذیرش بود که نمی‌دانم موفق شد یا خیر، اما اگر شرکتی پذیرش شود هر گاه بخواهد می‌تواند محصولاتش را در این بورس مهم عرضه کند. این مساله برای ایران اعتبار جهانی می‌آورد و سبب جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش گردش معاملات بورس می‌شود، که متأسفانه نشد. اما چون ما پیگیری نکردیم دویی این مورد

شد. هر چند که در این دفتر اساس نامه و آیین‌نامه‌های لازم تدوین نشد، اما خیلی به راه اندازی بورس کمک کرد.

■ در مرحله اجرا چه مشکلاتی داشتید؟

در همه جا و در هر کاری بیشترین مشکلات در مرحله اجرا نمایان می‌شود، اما مهمترین مشکل‌ها، این بود که برای این فعالیت هیچ بودجه‌ای پیش‌بینی نشده بود تا وزارتخانه و یا سایر سازمان‌های مربوط بتوانند به مراحل راه اندازی کمک کنند. در واقع بورس را با دست خالی راه اندازی کردیم.

دومین مشکل، انتخاب کارگزاران بود، چون بر اساس قانون قبلی آنها باید اساس نامه سازمان کارگزاران و آیین‌نامه‌های معاملاتی را تدوین می‌کردند و مشخص نبود که چگونه باید این کارگزاران را انتخاب کرد که بالاخره تصمیم گرفته شد شورای بورس بر اساس آزمون آنها را انتخاب کند.

■ مشکلات مالی را چگونه حل کردید؟

۸۰ میلیون تومان از شرکت‌های تابعه وزارتخانه با چک شخصی خردم قرض گرفتیم که این رقم در مقابل برآورد ۱/۵ میلیارد تومانی هزینه‌ها هیچ بود. امیدوارم ساختمان را در اختیار بورس قرار داد، شعبه را به بانک ملت واگذار کردیم و ۲۰۰ میلیون تومان از آنها گرفتیم، ۱۰ میلیون تومان حق عضویت تعیین و از کارگزاران برای در اختیار دادن مکان اجاره دریافت کردیم و در مجموع ۳۹۰ میلیون وجه جمع‌آوری و بورس راه اندازی شد.

اما یکی از مشکلات دیگر ما بحث آموزش کارگزاران بود، چون پیش از این چنین بورسی در ایران نداشتیم. کارگزاران بورس اوراق بهادار هم که فقط با بورس آشنا بودند و با مسائلی چون ضمانت، انبار و مسائل بازار فلزات آشنا نبودند که شاید بتوان گفت هنوز هم به طور کامل آشنا نشدند. فعالان بازار فلزات هم اصلا با بورس و نحوه معاملات در آن آشنا نبودند. خوشبختانه با همکاری که با بورس لندن داشتیم ۵ نفر، ۵ نفر برای آنها دوره‌های آموزشی در LME برگزار شد و پس از آشنایی نسبی، کارگزاران اقدام به نوشتن آیین‌نامه‌ها و اساس نامه‌های لازم کردند.

■ مشکلات دیگری هم داشتید؟

به هر حال هر کار نو و جدیدی، مشکلات خاص خودش را دارد و مثلا بورس ۲ سال فعالیت کرد اما بعد شخصیت حقوقی پیدا کرد و قانونی شد. چرا که من به حکم وزیر مسئول اجرایی بودم اما این حکم جایگاه قانونی نداشت و همه اینها از کمبود قانون نشأت می‌گرفت. بر فرض مشخص نبود چه سازمانی یا نهادی مسئول راه اندازی است و قانون تنها به اینکه وزارت صنایع و معادن مسئول پیگیری است اکتفا کرده بود.

■ عملکرد بورس را در این مدت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

